



اتریش فعالیت گروه‌های اسلامی را محدودتر کرد

انگیزه‌های اقتصادی نئولیبرال‌ها علیه مسلمانان



سید مهدی طالبی روزنامه‌نگار

اروپا پس از وقفه‌ای کوتاه مجدداً «اسلام‌هراسی» را در راس دستور کارهای خود قرار داده است. موج جدید اسلام‌هراسی در این قاره زمانی آغاز شد که امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در روز ۲ اکتبر (۱۱ مهر) سال جاری در جریان یک سخنرانی در پاریس مدعی شد اسلام به دینی تبدیل شده که نه تنها در فرانسه بلکه در سراسر جهان دچار بحران شده است. او در ماه بعد نیز پس از قتل یک معلم فرانسوی توسط یکی از اعضای داعش به بهانه توهمین به حضرت محمد(ص)، مواضع ضداسلامی خود را تشدید کرد و به تبع آن دولت فرانسه که پیش‌تر طراح‌هایی را برای افزایش فشار بر مسلمانان در نظر گرفته بود اعلام کرد آنها را با جدیت بیشتری به اجرا درخواهد آورد.

پس از فرانسه حالاً از اتریش خبر می‌رسد این کشور قصد دارد «اسلام سیاسی» را در اتریش جرم اعلام کرده و حتی با افراد و گروه‌های مشکوک به این گرایش نیز برخورد کند. «سیاستیان کورتز»؛ صدراعظم اتریش، روز چهارشنبه هفته گذشته ۱۱ نوامبر (۲۱ آبان) پس از تشکیل جلسه دولت این کشور گفت: «در مبارزه با اسلام سیاسی - که اساس عقیدتی آن را تشکیل می‌دهد- قصد داریم یک جرم کیفری به نام «اسلام سیاسی» ایجاد کنیم تا بتوانیم علیه کسانی که ترویج‌کننده آن هستیم اما زمینه را برای آن آماده می‌کنند، اقدام کنیم». صدراعظم ۳۴ ساله اتریش همچنین اعلام کرد قصد دارد دست مقامات سیاسی را برای بستن مساجد و تعطیلی انجمن‌هایی که در افراط‌گرایی نقش دارند بازتر کرده و برای نظارت دقیق‌تر بر فعالیت‌های اسلامی مرکزی برای ثبت مشخصات امامان جمعه ایجاد کند. موارد دیگری که کابینه اتریش تصویب کرده است عبارتند از امکان صدور حکم حبس ابد برای افراد محکوم به جرائم «ترویجی»، نظارت الکترونیکی بر افراد محکوم به جرائم مرتبط با ترویج‌بسم پس از آزادی‌شان و جرم‌انگاری اقدامات افراطی که با انگیزه مذهبی انجام می‌شوند. کورتز از عزم دولت‌ش برای تصویب سریع طرح دولت در پارلمان برای ماه دسامبر خبر داده است. دو هفته پیش در شامگاه ۲ نوامبر (۱۲ آبان) یک فرد مسلح با به آشوب کشیدن ۷ نقطه مرکزی پایتخت اتریش، ۴ تن را کشته و ۱۷ تن دیگر را زخمی کرد. پلیس اتریش که پس از چند ساعت موفق به کشتن این فرد مهاجم شد مدعی است وی از طرفداران داعش است. نکته جالب اینجاست که چنین فردی کمتر از یک سال پیش در دسامبر ۲۰۱۹ (آذر ۱۳۹۸) از زندان آزاد شده بود. تنها یک هفته پس از این ماجرا در ۹ نوامبر (۱۹ آبان) نیروهای نظامی اتریش با حمله به ۶۰ محل مرتبط با گروه‌های اخوان المسلمین و جنبش حماس، ۳۰ فرد مرتبط با این گروه‌ها را بازداشت کردند. حمله به مراکز اخوان المسلمین که شاخص‌ترین شاخه آن به کشور مصر مربوط بوده و همچنین حماس که گروهی فلسطینی است در حالی صورت می‌گیرد که بیشتر اعضای داعش و گروه‌های ترویجی از این دست از کشورهای به جز دو کشور نام‌برده تأمین شده‌اند و هزاران عضو عربستانی و تونس‌ای دارند.

تلاش‌های اتریش برای مقابله با مسلمانان پس از اوج‌گیری اسلام‌ستیزی در فرانسه شدت گرفته است. فرانسه ماه گذشته به دلیل قتل «ساموئل پتی» به دست «عبدالله انزاروف» ۱۸ ساله در روز ۱۶ اکتبر (۲۵ مهر) شاهد شدیدترین حملات سیاسی و اجتماعی علیه مسلمانان بود. این معلم فرانسوی به دلیل استفاده از کاریکاتورهایی موهن نشریه شارلی ابدو برای تدریس در مدرسه به دست انزاروف چینی تیار به قتل رسید. مکرون پس از کشته شدن پتی بلافاصله به محل قتل وی رفته و سعی کرد با سخنان تند علیه اسلام، موج اسلام‌هراسی به راه افتاده در کشور را تقویت کند. رئیس‌جمهور فرانسه با وجود آنکه کشورش را جایی فرامذهبی می‌داند که نباید سخنی از نمادهای مذهبی در آن برجسته شود مدعی شد به حمایت از شهروندان کاتولیک خواهد پرداخت. رئیس‌جمهور فرانسه پس از وقوع این قتل در جمله‌ای قابل تأمل خطاب به اعضای شورای دفاعی این کشور گفته بود: «ترس، تغییر جهت خواهد داد». این مساله نشان‌دهنده تهدید مسلمانان فرانسه توسط مکرون به ایجاد رعب و وحشت علیه آنهاست. این اظهارات مکرون در زمانی ایراد می‌شدند که جامعه فرانسه از روز ۲ سپتامبر (۱۲ شهریور) به دلیل آغاز روند محاکمه مهاجمان مسلح به نشریه شارلی ابدو، جوی ضداسلامی به خود گرفته بود. این افراد در سال نخستین روزهای سال ۲۰۱۵ به این نشریه موهن که کاریکاتورهایی را منتشر کرده

دولت‌های اروپایی پس از روبه‌رو شدن با موج فزاینده گرایش به اسلام و ایجاد پتانسیل حرکت‌های سیاسی و اجتماعی در آن، تلاش برای طراحی نقشه‌ای جهت منحرف کردن این پتانسیل را شروع کردند. تشکیل یک دولت اسلامگرا با شعارهای تاریخی که در قالب آرمان تشکیل خلافت، می‌توانست خود باشد تا با جذابیت‌های خود برخی از مسلمانان را از اروپا به خود جذب کند



ریشه قبلی صورت می‌گیرد. مهاجران در برابر تحقیر شدن خود در جوامع اروپایی به دلیل مسلمان بودن و تعلق‌شان به نژادهای غیربومی تمرکز بیشتری روی هویت دینی خود پیدا می‌کنند. این رجوع به ریشه‌های دینی که می‌تواند پتانسیلی قوی برای ایجاد تغییرات در جوامع اروپایی باشد توسط این کشورها شناسایی شده و تلاش‌هایی برای انحراف نیروی اسلامی در آنها صورت گرفته است. روانه کردن این مسلمانان به درگیری‌های خاورمیانه و کمک به شکل‌گیری داعش نمونه‌ای از طرح‌های اروپا برای مقابله و خلاصی از موج اسلام‌گرایی در اروپا توسط فرزندان مهاجران مسلمان و حتی مسلمانان اروپایی است.

ریشه قبلی صورت می‌گیرد. مهاجران در برابر تحقیر شدن خود در جوامع اروپایی به دلیل مسلمان بودن و تعلق‌شان به نژادهای غیربومی تمرکز بیشتری روی هویت دینی خود پیدا می‌کنند. این رجوع به ریشه‌های دینی که می‌تواند پتانسیلی قوی برای ایجاد تغییرات در جوامع اروپایی باشد توسط این کشورها شناسایی شده و تلاش‌هایی برای انحراف نیروی اسلامی در آنها صورت گرفته است. روانه کردن این مسلمانان به درگیری‌های خاورمیانه و کمک به شکل‌گیری داعش نمونه‌ای از طرح‌های اروپا برای مقابله و خلاصی از موج اسلام‌گرایی در اروپا توسط فرزندان مهاجران مسلمان و حتی مسلمانان اروپایی است.

«خلافت داعش» مدینه فاضله انحرافی جلوی راه مسلمانان اروپایی

دولت‌های اروپایی پس از روبه‌رو شدن با موج فزاینده گرایش به اسلام و ایجاد پتانسیل حرکت‌های سیاسی و اجتماعی در آن، تلاش برای طراحی نقشه‌ای جهت منحرف کردن این پتانسیل را شروع کردند. نخستین هدف دولت‌های اروپایی که به‌ناتاه با چنین موج غیرقابل مهاری روبه‌رو شده بودند، خارج کردن این افراد از اروپا بود. تشکیل یک دولت اسلامگرا با شعارهای تاریخی که در قالب آرمان تشکیل خلافت نگاه‌های بلندی به توسعه سرزمین داشته و از واژه‌هایی تاریخی مانند «دیوان» به سبک حکومت دوران خلفا استفاده می‌کرد، می‌توانست آهن‌ربایی باشد تا با جذابیت‌های خود برخی از مسلمانان را از اروپا به خود جذب کند. این افراد برای جهاد در راه خلافت آرمانی خود و پایه‌گذاری حکومتی که صدها سال پیش فروپاشیده بود، ولی کماکان انظر بسیاری از مسلمانان نقطه اوج قدرت‌شان بود، راهی خاورمیانه شدند. آنها نه فقط برای جهاد مقطعی بلکه برای سکونت همیشگی راهی این منطقه می‌شدند. جذابیت حکومت اسلامی تشکیل شده در خاورمیانه برای آنها تا حدی بود که به‌همراه تمامی همفکران از خانواده خود به این منطقه مهاجرت می‌کردند. اروپا با شکل‌گیری خلافت داعش به چند هدف خود می‌رسید؛ نخست از دست چنین افرادی که انگیزه بالایی برای ضدیت با غرب داشتند و از اراده توانایی ضربه زدن به آن برخوردار بودند رها می‌شد، دوم آنکه این افراد با قرارگیری در عراق و سوریه که انظر جغرافیایی قلب جهان اسلام هستند، در قالب یک خلافت اهل سنت که در قرائت داعش شیعیان را دشمن نخست و اصلی خود می‌دانست، غرب آسیا را بر مدار درگیری‌های مذهبی قرار می‌دادند. مسلمانان داعشی که اروپا از دست آنها رها شده بود با راه‌اندازی جنگ شیعه-سنی کشورهای اسلامی را تضعیف کرده و ایجاد سواد تفاهم میان ملت‌ها و دولت‌های مسلمان باعث وقوع درگیری‌های خونین میان آنها می‌شدند. در این میان کشورهای اروپایی در میانه سرگرمی کشورهای اسلامی به جنگ و ضعف‌شان، راهی مناسب برای نفوذ در سیاست خاورمیانه می‌یافتند. سوم آنکه تشکیل دولت داعش در عراق و سوریه ازسوی دیگر روند روبه‌رشد محور مقاومت را متوقف کرده و در عراق و شام ارتباط زمینی آن را قطع می‌کرد.

چهارمین استفاده اروپا از تشکیل داعش و درگیری‌های به‌تبع آن درخاورمیانه بهره‌مندی از امواج مهاجرتی جدیدی بود که آوارگان جنگی را راهی اروپا می‌کرد تا نیروی کار ارزان و خدماتی این قاره تأمین شود. از آنجا که مهاجران موج پساداعش به دلیل ترس از داعش و درگیری‌های گسترده و تبعات جنگ از خاورمیانه می‌گریختند و حتی در این مسیر خانه، اموال و حتی بسیاری از اعضای خانواده خود را از دست می‌دادند، قاعدتا باید به افرادی تبدیل می‌شدند که در سطحی بسیار رفتار به اروپا رسیده و تا چندده سال به دلیل مشکلات مهاجرت اینچنینی اصلا به فکر اثرگذاری نیز نمی‌افتادند. از سوی دیگر این مهاجران که به دلیل جنگ‌های مذهبی آواره شده بودند، از دیدگاه‌های

ریشه قبلی صورت می‌گیرد. مهاجران در برابر تحقیر شدن خود در جوامع اروپایی به دلیل مسلمان بودن و تعلق‌شان به نژادهای غیربومی تمرکز بیشتری روی هویت دینی خود پیدا می‌کنند. این رجوع به ریشه‌های دینی که می‌تواند پتانسیلی قوی برای ایجاد تغییرات در جوامع اروپایی باشد توسط این کشورها شناسایی شده و تلاش‌هایی برای انحراف نیروی اسلامی در آنها صورت گرفته است. روانه کردن این مسلمانان به درگیری‌های خاورمیانه و کمک به شکل‌گیری داعش نمونه‌ای از طرح‌های اروپا برای مقابله و خلاصی از موج اسلام‌گرایی در اروپا توسط فرزندان مهاجران مسلمان و حتی مسلمانان اروپایی است.

«خلافت داعش» مدینه فاضله انحرافی جلوی راه مسلمانان اروپایی

دولت‌های اروپایی پس از روبه‌رو شدن با موج فزاینده گرایش به اسلام و ایجاد پتانسیل حرکت‌های سیاسی و اجتماعی در آن، تلاش برای طراحی نقشه‌ای جهت منحرف کردن این پتانسیل را شروع کردند. نخستین هدف دولت‌های اروپایی که به‌ناتاه با چنین موج غیرقابل مهاری روبه‌رو شده بودند، خارج کردن این افراد از اروپا بود. تشکیل یک دولت اسلامگرا با شعارهای تاریخی که در قالب آرمان تشکیل خلافت نگاه‌های بلندی به توسعه سرزمین داشته و از واژه‌هایی تاریخی مانند «دیوان» به سبک حکومت دوران خلفا استفاده می‌کرد، می‌توانست آهن‌ربایی باشد تا با جذابیت‌های خود برخی از مسلمانان را از اروپا به خود جذب کند. این افراد برای جهاد در راه خلافت آرمانی خود و پایه‌گذاری حکومتی که صدها سال پیش فروپاشیده بود، ولی کماکان انظر بسیاری از مسلمانان نقطه اوج قدرت‌شان بود، راهی خاورمیانه شدند. آنها نه فقط برای جهاد مقطعی بلکه برای سکونت همیشگی راهی این منطقه می‌شدند. جذابیت حکومت اسلامی تشکیل شده در خاورمیانه برای آنها تا حدی بود که به‌همراه تمامی همفکران از خانواده خود به این منطقه مهاجرت می‌کردند. اروپا با شکل‌گیری خلافت داعش به چند هدف خود می‌رسید؛ نخست از دست چنین افرادی که انگیزه بالایی برای ضدیت با غرب داشتند و از اراده توانایی ضربه زدن به آن برخوردار بودند رها می‌شد، دوم آنکه این افراد با قرارگیری در عراق و سوریه که انظر جغرافیایی قلب جهان اسلام هستند، در قالب یک خلافت اهل سنت که در قرائت داعش شیعیان را دشمن نخست و اصلی خود می‌دانست، غرب آسیا را بر مدار درگیری‌های مذهبی قرار می‌دادند. مسلمانان داعشی که اروپا از دست آنها رها شده بود با راه‌اندازی جنگ شیعه-سنی کشورهای اسلامی را تضعیف کرده و ایجاد سواد تفاهم میان ملت‌ها و دولت‌های مسلمان باعث وقوع درگیری‌های خونین میان آنها می‌شدند. در این میان کشورهای اروپایی در میانه سرگرمی کشورهای اسلامی به جنگ و ضعف‌شان، راهی مناسب برای نفوذ در سیاست خاورمیانه می‌یافتند. سوم آنکه تشکیل دولت داعش در عراق و سوریه ازسوی دیگر روند روبه‌رشد محور مقاومت را متوقف کرده و در عراق و شام ارتباط زمینی آن را قطع می‌کرد.

چهارمین استفاده اروپا از تشکیل داعش و درگیری‌های به‌تبع آن درخاورمیانه بهره‌مندی از امواج مهاجرتی جدیدی بود که آوارگان جنگی را راهی اروپا می‌کرد تا نیروی کار ارزان و خدماتی این قاره تأمین شود. از آنجا که مهاجران موج پساداعش به دلیل ترس از داعش و درگیری‌های گسترده و تبعات جنگ از خاورمیانه می‌گریختند و حتی در این مسیر خانه، اموال و حتی بسیاری از اعضای خانواده خود را از دست می‌دادند، قاعدتا باید به افرادی تبدیل می‌شدند که در سطحی بسیار رفتار به اروپا رسیده و تا چندده سال به دلیل مشکلات مهاجرت اینچنینی اصلا به فکر اثرگذاری نیز نمی‌افتادند. از سوی دیگر این مهاجران که به دلیل جنگ‌های مذهبی آواره شده بودند، از دیدگاه‌های

حفاظ محکمی قرار می‌دهد تا نتوانند به اندازه وزن جمعیتی خود در این کشور اثرگذار باشند. ژرالد دارمانن وزیر کشور فرانسه از تعطیلی ۷۳ مسجد، مدرسه خصوصی و مغازه از ابتدای سال جاری در کشورش به بهانه «مبارزه با اسلام افراطی» خبر داده است. این اظهارات دارمانن تنها مدتی پس از ادعای مکرون مبنی بر دچار شدن اسلام به بحران در همه‌جای جهان گفته شد. اقدامات فرانسه در این مسیر دقیقاً شبیه به سیاست آمریکا در قبال سیاه‌پوستان است. آمریکا در همان حال که از حضور سیاه‌پوستان استفاده کرده و آنها را به صورت مدیریت‌شده وادار به انجام کار در مشاغل سطح پایین می‌کند، دست به ایجاد بی‌ثباتی در این گروه نیز می‌زند. بی‌ثبات‌سازی سیاه‌پوستان از طریق متهم بودن همیشگی آنها از نظر پلیس و تعداد بسیار زیاد این افراد در زندان‌ها صورت می‌گیرد به گونه‌ای که سیاه‌پوستان با تزریق فشار و ترس فضای پیشرفت‌فکری را از دست می‌دهند. در این وضعیت آمریکا بدون روبه‌رو شدن با معضلی خاص ازسوی سیاه‌پوستان که می‌تواند شامل سهم‌خواهی آنان در ساختارهای حکومتی باشد از نیروی کار آنها به‌عنوان شهروندانی درجه دو بهره می‌برد. فرانسه نیز تقریباً چنین سیاستی مقابل ساکنان مسلمان خود در پیش گرفته است. شعارهای ضداسلامی سر داده شده توسط سران اروپایی همچنین می‌تواند شکاف‌های ایجادشده در اتحادیه اروپایی را ترمیم کند. این شکاف‌ها از سال ۲۰۱۵ عمدتاً به دلیل بحث مهاجرت ایجاد شده‌اند. اختلافاتی که میان لیبرال‌دموکرات‌های اروپایی و راست‌گرایان بر سر مسدودسازی راه ورود مهاجران در گرفته است در دو قطبی شدن فضای اتحادیه اروپا نقش به‌سزایی داشته است. این مساله تا حدی بوده که کشورهای جنوب و شرق اروپا با فرانسه بر سر مهاجرت اختلاف‌نظر شدیدی پیدا کرده‌اند. کشورهایمانند لهستان و مجارستان با دولت‌های راست افراطی خود ازجمله دولت‌های مخالف مکرون هستند.

بلند شدن صدای فرانسه در زمینه اسلام‌هراسی می‌تواند برای حس بیگانه‌هراسی کشورهای راست‌گرا و مخالفت فرانسه، رضایت‌بخش باشد. فرانسه بر این اعتقاد است مخالفت با اسلام می‌تواند با کم‌رنگ کردن اختلافات بر سر ورود مهاجران به یکپارچه‌شدن اتحادیه اروپا کمک کند. با موج اسلام‌هراسی راه‌افتاده توسط فرانسه و حرکت‌ها تند پاریس در برابر اسلام، راست‌گرایان اروپایی با رضایت خاطر به البرزه نگاه کرده و در همان حال فرانسه می‌تواند به بهانه مبارزه با اسلام و جذب نیروی کار و مهاجرانی که به‌خاطر بنیادگرایی اسلامی از آفریقا و آسیا گریخته‌اند نیروی کار ارزان کشورش را تأمین کند. سخنان ضداسلامی افرادی مانند رئیس‌جمهور فرانسه یا فردی مانند کورتز که پیش‌تر در دولت خود با راست‌های افراطی ائتلاف کرده بود می‌تواند جایگاه داخلی آنها را نیز مستحکم کند. مکرون برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۲ فرانسه به‌شدت دچار مشکل است. او که در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه در سال ۲۰۱۷، قبیق راست افراطی خود «مارین لوپن» را با نتیجه ۶۶درصد در مقابل ۳۳درصد برده بود حالاً می‌داند که این نتیجه در زمانی به دست آمده که راست‌های افراطی در آغاز حرکت‌شان برای دستیابی به قدرت بوده‌اند. رشد بی‌وقفه اندیشه‌های راست افراطی باعث شد در سال ۲۰۱۹ حزب وابسته به لوپن در انتخابات پارلمان اروپا در برابر حزب مکرون به پیروزی برسد. در سال جاری نیز در جریان انتخابات شهرداری هادر فرانسه، حزب «جمهوری به‌پیش» به رهبری مکرون متحمل شکست دیگری شد، به گونه‌ای که حتی نتوانست یک کرسی شهرداری را در شهرهای بزرگ فرانسه به دست بیاورد. در مقابل احزاب سبز، چپ‌ها و راست‌های افراطی موفق به کسب پیروزی و دستاوردهایی در جریان این انتخابات شدند. اظهارات اسلام‌ستیزانه رئیس‌جمهور فرانسه به‌نظر می‌رسد با هدف بازسازی وجهه تخریب‌شده مکرون به دلیل نابسامانی‌های

متهم کردن اسلام و جامعه مسلمانان به ترور یسم می‌تواند به پاریس وجهه برخورد و تعطیل‌سازی مراکز اسلامی را بدهد و ازسوی دیگر باعث شود مسلمانان برای آنکه در مظان اتهام قرار نگیرند سخنان‌شان را بیشتر شبیه لیبرال‌دموکرات‌ها کنند. با این کار فرانسه هم نیروی کار خود را تأمین می‌کند و هم آنان را در حفاظت از محکمی قرار می‌دهد تا نتوانند به‌اندازه وزن جمعیتی خود در این کشور اثرگذار باشند

اقتصادی-اجتماعی و نیز مطرح شدن میان‌گرایش‌های راست افراطی است. او می‌خواهد پیش از فرارسیدن موعد انتخابات ۲۰۲۲ فرانسه، انتخاب مجدد خود را به نوعی تضمین کند. اسلام‌هراسی و اقدامات تندروانه تروریستی در فرانسه می‌توانند نگاه‌ها را از ضعف‌های اقتصادی-اجتماعی که مقصر آنها مکرون است، منحرف کرده و آن را به حوزه امنیتی بکشاند؛ جایی که گروه‌های تروریستی مقصر نامیده می‌شوند. با این اقدام مردم فرانسه بیش از هر چیز نگران مشکلات امنیتی و تحرکات تروریستی که جان آنها را هدف قرار می‌دهد، می‌شوند و در آنجاست که مکرون به‌عنوان یک منجی و ضامن برقراری امنیت در کشورش، تنفر از خود را به محبویت تغییر می‌دهد.